

The Effect of People's Social Trust in Police Officers on Obeying Traffic Laws

Valiollah Pira¹

Abstract

Background and aim: Traffic police need people's support to fulfill their important mission, which is to enforce traffic rules and regulations. One of the factors that make people follow traffic rules lies in social trust in the police. One of the aims of this research is to investigate the social trust of the people towards the police officers in obeying the traffic rules in the city of Tehran.

Method: This study is a descriptive-analytical survey. The statistical population of the research was in the south of Greater Tehran in 2022, of which 384 people were selected as a sample by multi-stage cluster sampling method and the designed questionnaire was provided to them. The obtained information was analyzed through structural equations and least square methods using SMART PLS 2 software.

Result: The findings showed that the components of social trust in the police, including the police's trustworthiness, the police's ability and efficiency, satisfaction, the dignity of the police, the social police's dignity, good manners and appropriate treatment, and the police's popularity in following traffic laws have a significant effect, and in the meantime, after acceptance, with an effect have a negative Beta (0.483), ability and efficiency (0.215) and social dignity of the police (0.137) respectively have the greatest impact on following traffic rules.

Conclusion: The results showed that by using the components of social trust in police officers, it is possible to predict 73% of people who depend on traffic laws. Therefore, the traffic police can increase the compliance with traffic laws by strengthening the social trust components of the people towards the police.

Keywords: trust, social trust in police, obeying the laws, traffic laws, traffic police.

1. Instructor of Traffic Operation Department; Amin Police University. Tehran Iran. Email: valiolahpira58@gmailcom

تأثیر اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی

ولی‌الله پیرا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: پلیس راهور برای انجام رسالت خطیر خود که همانا تأمین نظم و انضباط ترافیکی با اجرای قوانین و مقررات رانندگی است، نیاز به همراهی مردم دارد. یکی از عواملی که باعث همراهی مردم در تبعیت از قوانین ترافیکی می‌شود، در اعتماد اجتماعی به پلیس نهفته است؛ از این رو هدف از این پژوهش «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی در شهر تهران است.

روش: این مطالعه، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شهروندان جنوب شهر تهران بزرگ در سال ۱۴۰۱ بودند که تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار آنان قرار گرفت. اطلاعات به‌دست آمده از طریق معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار 2 SMART PLS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد، مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی پلیس شامل، مقبولیت پلیس، توانمندی و کارایی پلیس، رضایت‌مندی، منزلت اجتماعی پلیس، خوش‌رویی و برخورد مناسب و محبوبیت پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی تأثیر معنی‌داری دارند و در این بین بعد مقبولیت با ضریب تأثیر بتا (۰/۴۸۳)، توانمندی و کارایی (۰/۲۱۵) و منزلت اجتماعی پلیس (۰/۱۳۷) به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبعیت از قوانین ترافیکی دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که با استفاده از مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس می‌توان ۷۳ درصد از متغیر وابسته تبعیت از قوانین ترافیکی را پیش‌بینی کرد. از این رو پلیس راهنمایی و رانندگی می‌تواند با تقویت مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی مردم به پلیس، تبعیت از قوانین ترافیکی را افزایش دهد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد، اعتماد اجتماعی به پلیس، تبعیت از قوانین، قوانین ترافیکی، پلیس راهنمایی و رانندگی.

استناد: پیرا، ولی‌الله (۱۴۰۲). تأثیر اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی، فصلنامه پژوهش‌های

مدیریت انتظامی ۱۸ (۳)، صص ۱۱۰-۷۳

Doi: <https://doi.org/10.22034/pmsq.2023.1273926.1637>

مقدمه

اعتماد در حوزه علوم اجتماعی در چند دهه اخیر به عنوان مهم ترین سازه سرمایه اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. اعتماد جنبه مهمی از فرهنگ مدنی است که پیوند نزدیکی با اجتماع متجانس شهروندان، وفاداری و تعهد آن‌ها به اقتدار سیاسی دارد. اعتماد شاخص مسلم سرمایه اجتماعی و فرهنگی است و با ارزش‌های معنوی پیوند دارد؛ به گونه‌ای که کیفیت زندگی با اعتماد تعمیم یافته اعضای جامعه است. اعتماد، همکاری و مشارکت را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سرعت بخشیده و تبعیت از قوانین را در بین افراد جامعه افزایش می‌دهد (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۶). اعتماد اجتماعی، سنگ بنای جامعه کارآمد و امن است؛ لذا در سایه انباشت و حفظ این منبع ارزشمند است که سازمان پلیس، در جامعه با همکاری مردم می‌تواند نظم و انضباط اجتماعی را برقرار کند (آزادواری، ۱۳۹۱، ۱۱؛ به نقل از وفادار، ۱۳۸۸، ۲۲۴). یکی از راه‌های تمایل به همکاری شهروندان با پلیس و تبعیت از قوانین، ارتقای درک آنان از مقبولیت و مشروعیت و قابل اعتماد بودن پلیس است (سانشاین و تیلور^۱، ۲۰۰۳؛ نقل شده از جوانمدار قره‌قوینلو و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۱۱) که به این پدیده، سرمایه اجتماعی گفته می‌شود (صادقی و بهرامیان، ۲۰۱۵، ۱۴۱). اعتماد به عنوان سرمایه اجتماعی موجب بهتر شدن عملکرد یک سازمان می‌شود (باکر و همکاران^۲، ۲۰۲۱، ۱۲۱). اعتماد اجتماعی مانند ساختاری سودمند برای درک و فهم اهمیت روابط اجتماعی در محیط‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است (رابینسون^۳، ۲۰۰۳، ۶۷۱)، تا باعث نزدیک یا دور شدن رابطه افراد با همدیگر شود (موریگانی و همکاران^۴، ۲۰۲۱، ۱۴۱۹).

پلیس به عنوان یک نهاد مهم حاکمیتی، همانند دیگر خرده‌نظام‌های اجتماعی، به دنبال اجرای قانون، ارتقای نظم و انضباط اجتماعی و صیانت از امنیت و آرامش جامعه است

-
1. Sunshine & Tyler
 2. Baker, Susanne & Kerstin
 3. Robinson
 4. Muringani, Fitjar & Pose

(بخشی و غفاری، ۱۳۹۱، ۱۷). لازمه رسیدن به اهداف یادشده، داشتن روابط متقابل بین شهروندان و پلیس است که باید همراه با تعهد و اعتماد باشد (هادون و تیچ، ۲۰۰۸؛ دوستدار، ۱۳۹۸، ۱۰۹). اگر مردم احساس کنند که در موضع‌گیری، فعالیت‌ها و رفتار سازمان پلیس، صداقت و شفافیت و توانمندی وجود دارد به او اعتماد می‌کنند. در حوزه فعالیت‌های پلیس نخستین مورد، جلب اعتماد مردم، تقویت میزان همکاری و مشارکت فعال و آگاهانه است. مورد دیگر رشد توانمندی و کارایی سیستم است (آزادواری، ۱۳۹۱، ۱۰؛ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۴، ۴). بدین معنی که اگر شهروندان احساس و امید اثربخشی داشته باشند، بیشتر همکاری می‌کنند. اگر مردم این احساس را داشته باشند که اطلاع‌رسانی و تماس آن‌ها با پلیس درباره همه ابعاد انتظامی مؤثر است، این کار را انجام خواهند داد.

پلیس سازمان انتظامی است که در تمام کشورهای دنیا، نقش برقراری نظم و انضباط و جلوگیری از جرائم و بی‌نظمی‌ها را دارد و به‌عنوان نماینده و مجری قانون با مردم در ارتباط است (عشایری و نامیان، ۱۳۹۸، ۴۲). مشروعیت و مقبولیت پلیس بر همکاری عمومی با پلیس تأثیر می‌گذارد و کسانی که پلیس را مشروع‌تر می‌دانند، احتمالاً به پلیس در اجرای قانون کمک می‌کنند. مقدمه کلیدی مقبولیت، مشروعیت و محبوبیت و عدالت است. کسانی که بیشتر بر این باورند که پلیس با مردم از روی عدالت برخورد می‌کند، به احتمال زیاد پلیس را مشروع، مقبول و محبوب می‌دانند (مورفی و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۴۶). نیروی انتظامی در جهت افزایش میزان اعتماد مردمی و سرمایه اجتماعی پلیس و نیز ارتقای مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی پلیس، در سال‌های گذشته اقدام به تأسیس معاونت اجتماعی و واحدهای زیرمجموعه آن از جمله اداره کل اطلاع‌رسانی، اداره کل افکارسنجی، اداره کل مشارکت عمومی و نیز واحدهایی نظیر دفتر نظارت همگانی و واحد ۱۱۰ و برنامه‌ریزی‌های پی‌درپی در خصوص اصلاح رفتار کارکنان و... کرده است که هدف اصلی آن، بهره‌مندی از دیدگاه‌های شهروندان و

1. Hawdon & Tech
2. Murphy, Hinds & Fleming

تعامل در جهت‌دهی به سیاست‌های نیروی انتظامی در خصوص تأمین نظم و امنیت در جامعه است (دوستدار، ۱۳۹۸، ۹۹ به نقل از شرافتی‌پور، ۱۳۸۶، ۵۳). پلیس راهور نیز در جهت افزایش اعتماد اجتماعی به پلیس و افزایش تبعیت از قوانین ترافیک از سوی مردم، طرح همیار پلیس را برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و طرح پلیس‌یار نوجوان را در مقطع راهنمایی، با هدف جلب همکاری و مشارکت اجتماعی کودکان در سال ۱۳۸۵ با همکاری وزارت آموزش و پرورش به اجرا درآورده است. این طرح موجب تقویت انضباط اجتماعی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، خودباوری و اعتماد اجتماعی، اجرای قوانین ترافیکی و نهادینه کردن رعایت و احترام به قوانین اجتماعی در خانواده‌ها شده و نهایتاً کاهش تخلفات رانندگی و به تبع آن کاهش تلفات انسانی و ضررهای مادی حاصل از سوانح رانندگی را در بر داشته است (کشفی و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۳). طرح بعدی پلیس برای ارتقای اعتماد اجتماعی و تبعیت از قوانین ترافیک از سوی شهروندان، طرح «بانوان فرهنگ‌یار ترافیک» است که جامعه هدف آن در مرحله اول، بانوان شاغل در سازمان‌ها، ادارات، نهادها و مؤسسات است که با وسایل آموزشی تهیه شده و همکاری و همراهی سازمان‌ها و نهادهای بانوان شاغل در آن برگزار می‌شود؛ لذا چنانچه در طرح «بانوان فرهنگ‌یار ترافیک» زنان نسبت به قوانین و اصول صحیح رانندگی آگاه شوند، با عنایت به مسئولیت‌پذیری بانوان و تأثیرگذاری زیاد آنان در خانواده، تبعیت از قوانین ترافیک از سوی مردم افزایش می‌یابد و می‌تواند در کاهش حوادث ترافیکی مؤثر باشد.

آمارها در زمینه تخلفات ترافیکی نشان‌دهنده این است که تخلف از قوانین ترافیکی یک مسئله مهم اجتماعی به‌ویژه در مراکز شهری است. رئیس پلیس راهور فراجا طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایسنا، تعداد قبض جریمه صادرشده برای هفت ماه اول سال ۱۴۰۰ را ۶۸ میلیون قبض اعلام کرد (حسینی و همکاران ۱۴۰۱، ۱۵۴؛ به نقل از هادیانفر، ۱۴۰۰) که مبین ضعف در اجرای قوانین ترافیکی توسط پلیس و شهروندان است. با توجه به اینکه وظیفه اصلی پلیس راهور طبق بند ۱۲ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه‌های کشور است

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹) و پلیس راهنمایی و رانندگی به تنهایی در نهادهای در تبعیت از قوانین ترافیکی از سوی مردم موفق نخواهد بود و این تبعیت از قوانین نیز با اعتماد به پلیس میسر و تقویت خواهد شد. اعتماد به پلیس زمانی محقق می‌شود که سازمان پلیس عملکرد بهتر و مناسب‌تری در اجتماع داشته باشد و بستر و زمینه‌های لازم برای توسعه اجتماعی در جامعه ایجاد شود، زیرا عملکرد مؤثر و مثبت پلیس در جامعه، سبب کاهش تخلفات و جرائم و در نتیجه باعث افزایش احساس رضایت در بین مردم می‌شود و در نتیجه تبعیت هر چه بیشتر مردم از قوانین ترافیکی را در پی خواهد داشت؛ لذا در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که به چه میزان اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی تأثیر دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی می‌تواند نگرش عمومی را در سطح فردی نسبت به سازمان‌های عمومی تقویت کند (برهم و راهن^۱، ۱۹۹۷). همچنین اعتماد اجتماعی در تعاملات انسانی کارکردهای پیونددهنده‌ای دارد که ارتباط مستقیم با ادراک مردم از مقبولیت، مشروعیت و قابلیت اعتماد پلیس دارد (هادون و تیچ، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش سان و همکاران^۲ (۲۰۱۷) نشان داد که سرمایه اجتماعی با اعتماد اجتماعی رابطه دارد، که این امر سبب همکاری مردم با پلیس و تبعیت از قوانین ترافیک از سوی مردم می‌شود؛ لذا مطالعاتی در داخل و خارج از کشور در این خصوص انجام شده است که در جدول (۱) به تعدادی اشاره شده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیقات انجام شده

ردیف	نام نویسنده	عنوان مطلب	سال	نتایج و پیشنهادها
۱	جوانمدار و همکاران	ارتباط سرمایه اجتماعی پلیس با تمایل عمومی برای همکاری با پلیس پیشگیری جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۱	مضامین اصلی تعامل شهروندان با پلیس در تبعیت از قوانین بر اساس سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: اعتماد میان پلیس و مردم، انصاف در رفتار پلیس و توانمندسازی پلیس که موجب تمایل شهروندان به همکاری با پلیس پیشگیری و درنهایت، ارتقای عملکرد می‌شود.
۲	حسینی و همکاران	عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی کاربران در رعایت مقررات ترافیکی	۱۴۰۱	نتایج نشان داد که متغیرهای اعتماد اجتماعی (منزلت اجتماعی پلیس، رضایت‌مندی از عملکرد پلیس) به- ترتیب بیشترین تأثیر و آنومی تأثیر منفی بر مشارکت اجتماعی کاربران در تبعیت از قوانین ترافیکی دارند.
۳	دوستدار	راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی پلیس	۱۳۹۸	راهبردها: ارتقای سطح کارآمدی و توانمندی و هوشمندی پلیس، استفاده حداکثری از منابع موجود سازمانی و فراسازمانی به‌منظور بهبود وجهه و شأن و منزلت اجتماعی پلیس، ارتقای سطح مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت مردمی و افزایش اقتدار و اعتماد به پلیس در جامعه، بسترسازی برای تقویت ارتباط پلیس با جامعه و تبعیت بیشتر از قوانین دارد.
۴	اخشابی	تعامل پلیس با مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم	۱۳۹۴	تعامل پلیس با مشارکت مردمی شامل: ۱- برخورد مناسب و درک متقابل، اعتماد بین پلیس و جامعه را افزایش می‌دهد؛ ۲- تلاش‌های مبتنی بر جامعه را تقویت می‌نماید؛ و ۳- تعهد و رابطه مداوم و مستمر بین پلیس و جامعه ایجاد می‌کند.
۵	حبیب‌زاده و همکاران	بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی به پلیس و مشارکت شهروندان در ارتقای امنیت عمومی	۱۳۹۳	نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی شهروندان به پلیس و مشارکت آنان در ارتقای امنیت عمومی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های این پژوهش نشان داد که امانت‌داری، قاطعیت پلیس، مقبولیت پلیس، رعایت حقوق

ردیف	نام نویسنده	عنوان مطلب	سال	نتایج و پیشنهادات
				شهروندی و رضایتمندی از پلیس، به ترتیب اولویت، تأثیر بسزایی در مشارکت شهروندان با پلیس در ارتقای امنیت عمومی دارند.
۶	آکینلابی ^۱	روابط پلیس و شهروندی در نیجریه: موانع اعتماد و همکاری با پلیس	۲۰۲۲	نتایج نشان داد که پلیس نیجریه از اختیارات خود سوءاستفاده می کند و برخورد نامناسب پلیس و سوءاستفاده از اختیارات تأثیر منفی بر اعتماد به پلیس و در نتیجه کاهش همکاری با پلیس شده است. نتایج نشان داد برای تمایل به همکاری با پلیس عوامل متعددی مانند درک اثربخشی و هوشمندی پلیس، برخورد درست و با عدالت و مشروعیت پلیس پیش بینی می شد.
۷	کاپمیر و کاترین ^۲	اعتماد و مشروعیت پلیس در میان گروه های نژادی نیوزلند	۲۰۲۲	نتایج نشان داد که اعتماد اعضای گروه های اقلیت به پلیس کمتر از اعضای گروه اکثریت است و این مشکل ساز است زیرا بدون اعتماد، پلیس فاقد مشروعیت و مقبولیت بوده و در نتیجه همکاری این گروه ها با پلیس کمتر شده است. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت های قومیتی در اعتماد و مشروعیت به ابعاد مختلفی مانند شایستگی و منزلت اجتماعی، صداقت، برخورد مناسب، سازگاری، مقبولیت، محبوبیت به عنوان مجموعه جامعی که اعتماد را تشکیل می دهد بستگی دارد.

1. Akinlabi

2. Kappmeier, M., & Fahey

ردیف	نام نویسنده	عنوان مطلب	سال	نتایج و پیشنهادهای
۸	کاتز ^۱	راهنمای روابط مؤثرتر پلیس - جامعه از طریق رسانه‌ها، مشارکت شخصی و رویدادهای مشارکتی	۲۰۲۲	شهروندان آمریکایی به طور متوسط احساس می‌کنند که پلیس محلی آن‌ها معمولاً غیردوستانه، بی‌ادب و بیش از حد مستبد هستند؛ که این باعث قطع ارتباط، و کاهش تمایل مردم برای اطلاع‌رسانی به مجریان محلی قانون گردیده و در نتیجه بر میزان جرم و جنایت در آن منطقه تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین یافتند که با بهبود سبک ارتباطی خود و یافتن راه‌هایی برای همکاری با ساکنان محلی، جرائم به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد.
۹	تانکه و همکاران ^۲	تخلفات ترافیکی و اهداف مشارکتی در بین رانندگان: نقش فساد	۲۰۲۰	نتایج نشان داد مقبولیت، محبوبیت و انصاف پلیس به‌طور قابل توجهی احتمال همکاری با پلیس را افزایش می‌دهد و تجربه شخصی از فساد پلیس احتمال قصد همکاری را کاهش داد.
۱۰	مگوایر و همکاران ^۳	ارزیابی تأثیر نسبی برخوردهای مثبت و منفی با پلیس: یک آزمایش تصادفی	۲۰۱۷	مشاهده تعاملات و برخورد مثبت پلیس و همچنین سرعت عمل باعث افزایش تبعیت از قوانین، الزام به اطاعت از پلیس و قانون و اعتماد و اطمینان به پلیس شد، درحالی‌که مشاهده تعاملات و رفتار منفی این نتایج را تضعیف کرد.
۱۱	روزنبلوم و همکاران ^۴	رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی توسط افسران پلیس راهنمایی و رانندگی و رانندگان غیرنظامی	۲۰۱۴	یافته‌ها نشان داد که افسران پلیس راهنمایی و رانندگی، در مقایسه با رانندگان غیرنظامی به قوانین رانندگی بیشتر پایبند هستند و از آنجایی که انطباق عموم مردم با قوانین راهنمایی و رانندگی تحت تأثیر مشروعیت و مقبولیت درک شده پلیس قرار می‌گیرد، انتشار این نتایج می‌تواند هم همکاری عمومی با پلیس در تبعیت از قوانین ترافیک از سوی مردم را تقویت کند و هم

1. Katz
2. Tankebe, Boakye & Agaawena Amagnya
3. Maguire, Lowrey & Johnson
4. osenbloom, Pereg & Perlman

ردیف	نام نویسنده	عنوان مطلب	سال	نتایج و پیشنهادات
				افسران پلیس را تشویق کند تا به ارائه الگوهای مثبت برای مردم ادامه دهند.
۱۲	نالا و مدان ^۱	عوامل تعیین کننده درک شهروندان از همکاری پلیس - جامعه در هند: پیامدهایی برای پلیس جامعه	۲۰۱۲	عواملی مانند رضایت عمومی از خدمات پلیس، هوشمند و توانمند بودن پلیس، محبوبیت و مقبولیت پلیس، احساس امنیت، همگی اعتماد عمومی به روابط پلیس - شهروندی را نشان می‌دهند. کسانی که به‌طور کلی از پلیس راضی هستند، دوست دارند با پلیس همکاری کنند و روابط پلیس و جامعه را مثبت می‌بینند و در نتیجه باعث افزایش تبعیت از قوانین از سوی مردم می‌شوند. علاوه بر این، متوجه می‌شویم که کسانی که احساس می‌کنند پلیس در برخورد با شهروندان صرف نظر از موقعیت اجتماعی، منصف است، کسانی هستند که در تبعیت از قوانین بیشتر با پلیس هستند.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تحقیقات زیادی در خصوص اعتماد اجتماعی به عنوان سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر همکاری عمومی با پلیس در تبعیت از قوانین انجام شده است و با بررسی‌های انجام شده، مشخص می‌شود تاکنون تحقیقی که فقط تمرکز بر بهبود اعتماد اجتماعی در واحد پلیس راهنمایی و رانندگی فرادا داشته باشد، انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی است.

اعتماد در مبادلات فضای اجتماعی نقش تسهیل کننده دارد زیرا هزینه مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و نقش تعیین کننده‌ای برای حل مسائل مربوط به نظم اجتماعی دارد؛ به بیانی دیگر، اعتماد روابط اجتماعی را به‌طور بالقوه وصف می‌کند. در جامعه‌ای که اعتماد بالایی وجود دارد، مسئولیت‌پذیری زیادتری در سطح پایین جامعه مشاهده

می‌شود و برعکس در جامعه‌ای که اعتماد کمی وجود دارد، فرار از مسئولیت بیشتر به چشم می‌خورد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ۳ به نقل از: اردن^۱، ۲۰۰۹، ۲۱۸۱).

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی عبارت است از: درجه‌ای از اطمینان و شناخت نسبت به دیگری (از لحاظ نقش اجتماعی، جایگاه، شخصیت و...) که زمینه‌ساز رابطه متقابل اجتماعی هدفمندتر، آسان‌تر، بی‌پیرایه‌تر و سریع‌تر است. این دیگری می‌تواند یک فرد، ساختار، نهاد، یا حتی یک امر انتزاعی باشد (تاج‌بخش، ۱۳۹۰، ۴۵). بدون شک اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های حیاتی روابط اجتماعی است که بستر ساز همکاری و مشارکت میان اعضای جامعه است (پورمؤذن، ۱۳۸۹، ۲۰۳). اعتماد اجتماعی از مهم‌ترین علل ارتباط و تعامل اجتماعی به‌شمار می‌آید و بازتاب آمادگی افراد و گروه‌ها برای ایجاد پذیرش رابطه متقابل و اجتماعی است. اعتماد ابتدا یک مفهوم روان‌شناختی است که شامل تأیید، پذیرش و همکاری فرد و اطرافیان، به‌صورت متقابل دارد. در مقابل بی‌اعتمادی به مفهوم بدگمانی، بدبینی به همراه عدم اطمینان داشتن و نوعی سوءظن به همراه شک و تردید نسبت به افراد و اشخاصی است که فرد با آن‌ها در ارتباط متقابل، روزمره و مستمر است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۴ به نقل از: محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ۲۳).

اینگلهارت^۲، اعتماد به یکدیگر را یکی از عوامل مؤثر در مشارکت می‌داند. اعتماد به این معناست که رفتار دیگری به طرز قابل پیش‌بینی دوستانه خواهد بود. عدم اعتماد به معنای آن است که رفتار دیگری مودیان‌ه یا غیرقابل اعتماد است؛ لذا وقتی که ابهام وجود دارد اعتماد یا عدم اعتماد، شخص را به تفسیر دوستانه یا دشمنانه اعمال دیگری وا می‌دارد. پیامدها می‌تواند بسیار مهم باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۴۵).

تایلر^۱، در خصوص اهمیت اعتماد بر این باور است که اعتماد مردم به پلیس خیلی با ارزش و مهم است زیرا منجر به همکاری داوطلبانه شهروندان با پلیس می‌شود و همکاری داوطلبانه بسیار مهم است چون در چنین وضعیتی شهروندان نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت کرده در نتیجه احتیاج به اعمال کنترل اجتماعی رسمی کاهش می‌یابد؛ لذا مردم در مواجهه با پلیس بر موضوع حُسن نیت تمرکز می‌کنند. اگر شهروندان بر این باور باشند که مراجع قانونی با حسن نیت کار می‌کنند از روی اراده و میل از قوانین پیروی خواهند کرد (تایلر، ۲۰۰۵، ۳۳۸). تایلر برای تبیین اعتماد اجتماعی به پلیس سه مدل ارائه داد که عبارت‌اند از: ۱- مدل عملکرد (ابزاری) که حفظ اعتماد عمومی به پلیس را وابسته به عملکرد پلیس و انجام موفق وظایفشان می‌داند؛ برای مثال موفق‌بودن در کنترل بی‌نظمی و بی‌قانونی در مناطق شهری. از دیدگاه تایلر، شهروندان زمانی که احساس می‌کنند پلیس در مواجهه با جرم و بی‌قانونی کارآمد و مؤثر است از پلیس پشتیبانی و حمایت خواهند کرد؛ ۲- مدل عدالت توزیعی که توزیع منصفانه و عادلانه خدمات پلیس را در جلب اعتماد مردم مؤثر می‌داند؛ بدین معنی که اگر خدمات پلیس نسبت به تمام شهروندان صرف‌نظر از هر قومیت، نژاد و مذهبی که دارند عادلانه توزیع شود باعث می‌شود که شهروندان بیشتر پلیس را قابل اعتماد بدانند؛ و ۳- مدل فرایند محور، سومین مدل است که به‌طور معمول عدالت رویه‌ای خوانده می‌شود. در این دیدگاه، عامل اصلی بروز اطمینان و اعتماد به پلیس و حفظ همکاری شهروندان، ارزیابی آن‌ها از محرمانه بودن رفتار پلیس، منصفانه بودن تصمیم‌گیری‌ها در هنگام استفاده از اقتدار خود و اجرای قوانین و یا هنگام تماس و برخورد شهروندان با آن‌ها است؛ بنابراین، مدل عدالت رویه‌ای به این اشاره دارد که اعتماد و حمایت عمومی از پلیس تنها منوط به عملکرد پلیس در کنترل جرم و بی‌نظمی‌ها نیست بلکه در شیوه‌ای که پلیس در برخورد با مردم در

پیش می‌گیرد، است (علیزاده اقدم و همکاران ۱۳۹۵، ۴ به نقل از: تایلر، ۲۰۰۵، ۳۳۸).

گیدنز^۱، نظریهٔ اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی را مطرح کرد و این یعنی به‌طور عمده نهادهای تخصصی هستند که یکی از نیروهای مدرنیته محسوب می‌شوند. اعتماد به نظام در واقع اعتماد به این امر است که ساختارهای غیرشخصی این امکان را برای فرد فراهم می‌آورند که او آینده موفقیت‌آمیزی را برای خویش پیش‌بینی کند. گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیت که بسیاری از جنبه‌های مدرنیته جهانی شده باشد، ناگزیریم؛ یعنی در نهادهای مدرن، هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کامل از نهادهای تخصصی دوری کند (گیدنز، ۱۳۷۷، ۱۰۱).

جانسون^۲ معتقد است اعتماد برای رشد و گسترش روابط ضروری است و اولین بحرانی که در بیشتر روابط با آن مواجه هستند مربوط به توانایی شخص در اعتماد کردن است. برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس‌های خود و دیگری از طرد و دفع شدن را کاهش داده و امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقا بخشد. اعتماد یک خصیصه شخصیتی نیست بلکه اعتماد جنبه‌ای از روابط است که مدام در حال تغییر می‌باشد. هر آنچه که افراد انجام می‌دهند سطح اعتماد را در روابط افزایش یا کاهش می‌دهد. در یک رابطه مبنی بر اعتماد و رفتار قابل اعتماد، وجود دارد اعتماد بین فردی از طریق مخاطره و تأیید ایجاد می‌شود و از طریق مخاطره و عدم تأیید نابود می‌شود. معمولاً مردم خود را با انتظاراتی که دیگران دارند تطابق می‌دهند، اگر احساس کنند که به آن‌ها اعتماد ندارید و انتظار دارید که قابل اعتماد باشید، اغلب به همین شیوه رفتار خواهند کرد. یکی از جنبه‌های کارایی گروه،

شکل‌گیری و حفظ سطح بالایی از اعتماد در میان اعضای گروه است. اعضای گروه هر چه بیشتر به هم اعتماد کنند، فعالیت آن‌ها مؤثرتر خواهد بود (جانسون، ۲۰۰۰، ۱۳۰).

فوکویاما^۱، اعتماد را انتظاری که جامعه از رفتار مقرراتی، مسئولانه و همیارانه قسمتی از سایر اعضای جامعه که بر هنجارهای مشترک عام مبتنی است، تعریف می‌کند. فوکویاما ضمن برشمردن عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی و اعتماد، معتقد است دولت از طریق آموزش و پرورش می‌تواند بیشترین تأثیر را بر افزایش اعتماد داشته باشد، به این نحو که هنجارها و قوانین را در مراحل مختلف تحصیلی به محصلان انتقال دهد و روحیه گروهی را ترویج کند. همچنین دولت‌ها به‌طور غیرمستقیم و از راه تأثیرگذاری بر تهیه مایحتاج عمومی به‌ویژه در زمینه حقوق، مالکیت، امنیت عمومی، ایجاد محیطی امن و اثبات برای تعامل عمومی، اعتماد را در بین افراد رشد می‌دهند. فوکویاما همچنین به شعاع اعتماد، یعنی دایره‌های از افراد که در میانشان هنجارهای مشترکی حضور دارند، پرداخته و معتقد است هر چه این شعاع وسیع‌تر باشد و افراد بیشتری را در بر بگیرد، افزایش اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود. او معتقد است پیوستگی‌های درون‌گروهی عمیق که گاهی در درون گروه‌های سنتی وجود دارد، از توانایی اعضا برای همکاری با یگانگان و بسط اعتماد اجتماعی می‌کاهد (فوکویاما، ۱۳۸۲، ۹).

اعتماد اجتماعی به پلیس: امروزه درک دیدگاه و نگرش مردم به پلیس، به‌مثابه یکی از موضوعات مورد توجه پژوهشگران امور پلیسی قرار گرفته است. پژوهش در مورد چگونگی نگرش مردم نسبت به پلیس به چند علت دارای اهمیت است؛ الف) اطاعت از قانون؛ ب) درک تمایل شهروندان برای مشارکت در عملیات پلیس جامعه‌محور؛ ج) اندازه‌گیری و ارزیابی عملکرد پلیس؛ د) قضاوت‌های مشروع پلیس. لذا، ارزیابی شهروندان از پلیس نقش کلیدی در ایجاد امنیت در جامعه، واکنش شهروندان به شیوه‌های پلیسی و برخوردهای پلیسی دارد. برخی محققان بر روی سه عامل اساسی از جمله: ۱- عوامل زمینه‌ای چون شرایط نامساعد اقتصادی؛ ۲- تجربه‌های مستقیم

برخورد با پلیس؛ ۳- مشاهده کیفیت زندگی در محله‌ها؛ در شکل دادن به ادراک شهروندان از پلیس اتفاق نظر دارند (ابراهیم‌پور، روشندل و امیری، ۱۳۹۱، ۳۰۹). شهروندانی که اعتماد به پلیس دارند، سازگارتر بوده و با پلیس همکاری بیشتری دارند (اسکاپ^۱، ۲۰۲۰). در مورد اعتماد به پلیس براساس نظر زتومگا ممکن است برخی به علت مراجعه مستقیم و تعامل با پلیس و کسب اطلاعات دست‌اول به او اعتماد کنند یا اعتماد نکنند، اما اکثر مردم وجهه و اعتبار پلیس را از طریق ارائه گزارش‌ها و اخبار و آمارهایی به دست می‌آورند که در این زمینه منتشر می‌شود و عملکرد پلیس را به اطلاع مردم می‌رساند؛ بنابراین، اگر این اطلاعات به‌روز و متناسب با واقعیت و مثبت باشد، بر اعتماد به پلیس هم تأثیرگذار است. علاوه بر این، برخی اطلاعات از طریق سایت‌ها و خصوصاً نیروی انتظامی کسب می‌شود که پلیس باید در این زمینه‌ها فعال و حضوری مثبت در رسانه‌های تصویری، صوتی و نوشتاری داشته باشد تا بتواند عملکرد پلیس را بهتر به نمایش بگذارد و جلب اعتماد کند. به‌هرحال، اعتبار، یک امتیاز اساسی و نوعی سرمایه‌گذاری و منبعی است که می‌توان از آن طریق در مورد دیگران و برخی امتیازات با ارزش و مهم آنان اطلاع پیدا کرد و استنباط‌هایی درباره آنان انجام داد؛ به‌عبارت‌دیگر، اعتماد به افراد در نتیجه کسب اعتبار حاصل می‌شود (زتومگا، ۱۳۸۴، ۸۷).

تبعیت از قوانین

قانون به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای تنظیم رفتار افراد در جامعه، در صورتی می‌تواند موفق و کارآمد باشد که ابتدا ادله قانع‌کننده‌ای برای لزوم تبعیت از آن وجود داشته باشد. قانون به لحاظ جایگاه اجتماعی خود در میانه دو جریان قرار دارد: از یک‌سو با پیروان و تابعین خود و از جنبه دیگر با وضع‌کنندگان و تصویب‌کنندگان قانون در ارتباط است. یکی از موضوع‌های مبنایی فلسفه حقوق، تحلیل و تبیین رابطه اول، یعنی چرایی الزام تبعیت از قانون است. اینکه افراد جامعه و شهروندان چرا باید از قانون تبعیت کنند و چه نیرویی ایشان را به پذیرش قانون و پیروی از آن وا می‌دارد، موضوعی مورد تأمل اندیشمندان بوده و هست (حسینی و برهانی، ۱۳۸۹، ۲۳۹).

هریس^۱، توجیه برای چرایی تبعیت از قانون را مبتنی بر مفهوم حق‌شناسی می‌داند. از نظر هریس، افراد در قبال خوبی‌ها و منافع‌هایی که جامعه به افراد داده است، مسئولیت دارند. جامعه و قوانین آن از بدو تولد منافع بسیاری را به ما ارزانی کردند؛ قوانینی که آموزش همگانی، بهداشت عمومی، رفاه اجتماعی و... را حداقل به صورت نسبی فراهم آورده است. بی‌تردید آنچه افراد جامعه می‌توانند در قبال آن منافع و خوبی‌ها از خود نشان دهند، این است که به تمام قوانین جامعه احترام بگذارند. این احترام مقتضای محبت‌ها و خوبی‌هایی است که جامعه به ما ارزانی داشته است. در حقیقت، بر اساس این دیدگاه، افراد ملزم به تبعیت هستند، چرا که آن، پاسخی است به احساسات درونی نسبت به نهادی که ما را مورد لطف قرار داده است (هریس، ۱۹۹۷، ۲۲۷).

رز^۲ بر این باور است که افراد نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند احساس تعلق دارند و قانون جامعه هم بخشی جداناپذیر از جامعه است. در حقیقت در این دیدگاه، با نگاهی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به جایگاه جامعه در مسیر تکوین شخصیت افراد اشاره می‌شود. فردی که هویت خود را به وسیله جامعه مورد شناسایی قرار می‌دهد و احساس می‌کند که او به جامعه و جامعه به او تعلق دارد، نسبت به آن باید وفادار باشد. این وفاداری در نمودهای مختلفی تجلی می‌شود که یکی از آشکارترین آن‌ها احترام به قوانین است (رز، ۱۹۷۹، ۲۵۹).

راولز^۳ معتقد است زمانی که جامعه عادلانه است یا نزدیک به عدالت است، وظیفه طبیعی شهروندان اقتضاء می‌کند که آر نهادهای عادلانه حمایت کرده و آن‌ها را تقویت کنند. قانون هم به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی عادلانه مشمول آن حکم طبیعی است. وظیفه تبعیت از قانون بر اساس این نظریه، کاملاً مستقل از هر نوع تعهد واقعی یا ضمنی است که مردم بر آن توافق کرده‌اند. تا جایی که ساختارهای اساسی جامعه

1. Harris

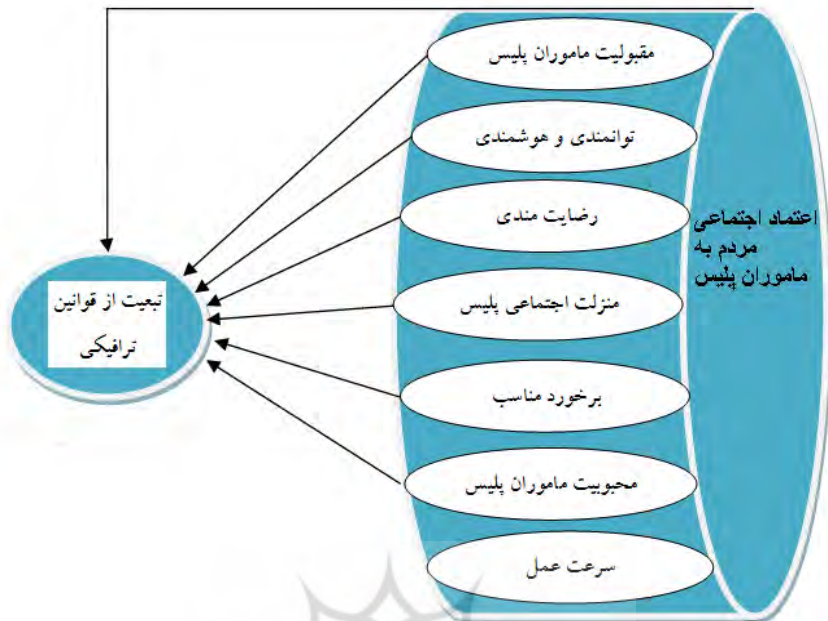
2. Raz

3. Rawls

به صورت متعارفی عادلانه باشند، وظیفه تبعیت حتی شامل قوانین غیر عادلانه هم می‌شود (راولز، ۱۹۷۱: ۳۴۳).

قوانین ترافیکی: امروزه یکی از مهم‌ترین قوانین اجتماعی که مورد احترام همه جوامع بشری قرار گرفته است، قوانین ترافیکی (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۵) است و تخلف از قوانین به معنی گریز از قاعده و معیارهای اجتماعی است که در قانون و عرف جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است (عشایری، سادات سرکشیکان، مهتری آرانی و سعادت، ۱۴۰۰، ۲۳۹). همچنین تخلف از قوانین ترافیکی، فعل یا ترک فعلی است که از سوی کاربران ترافیک از جمله رانندگان، عابران یا دارندگان وسیله نقلیه صورت می‌گیرد و منتج به بروز مشکل در ترافیک و افزایش خطر جانی یا مالی برای همه استفاده‌کنندگان از راه می‌شود (کرم‌خانی و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۹).

تحلیل این پژوهش تلفیقی از نظریه‌های اعتماد اجتماعی با محوریت تئوری صاحب‌نظرانی مثل اینگلهارت (۱۳۷۳)، تایلر (۲۰۰۵)، گیدنز (۱۳۷۷)، جانسون (۲۰۰۰)، فوکویاما (۱۳۸۲) و زتومگا (۱۳۸۴) و در حوزه تبعیت از قوانین تابع نظریه هریس (۱۹۹۷)، رز (۱۹۷۹) و راولز (۱۹۷۱) است؛ بنابراین، در این پژوهش اعتماد اجتماعی به پلیس با مؤلفه‌های (مقبولیت پلیس، توانمندی و کارایی پلیس، رضایت‌مندی از عملکرد پلیس، منزلت اجتماعی پلیس، خوش‌رویی و برخورد پلیس، محبوبیت و سرعت عمل پلیس در کار که از این نظریه‌ها و مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها در مقالات مطرح شده در پیشینه بررسی و تأثیر این مؤلفه‌ها در تبعیت از قوانین ترافیک از سوی مردم سنجیده شد؛ لذا مطابق نظریه‌های مطرح شده مدل مفهومی تحقیق به شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

بر اساس شکل (۱) به‌طور کلی فرضیه پژوهش عبارت است از: متغیرهای مقبولیت، توانمندی و هوشمندی، رضایت مندی مردم، منزلت اجتماعی، رفتار مناسب، محبوبیت و سرعت عمل مأموران پلیس بر تبعیت شهروندان از قوانین ترافیکی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر روش و ماهیت، جزو پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است که در سال ۱۴۰۱ با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان جنوب شهر تهران بزرگ، با استفاده از جدول مورگان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب و جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. سؤالات پرسش‌نامه شامل ۳۲ گویه که ۴ گویه مربوط به متغیر وابسته تبعیت از قوانین ترافیکی که از پرسش‌نامه پیرا، شایگان و امیری (۱۴۰۱) استفاده شد و ۲۸ گویه مربوط به متغیر مستقل اعتماد اجتماعی به

پلیس که مقبولیت پلیس (شش گویه)، توانمندی و هوشمندی پلیس (چهار گویه)، رضایت مندی و قدردانی از عملکرد پلیس (سه گویه)، منزلت اجتماعی پلیس (پنج گویه) از پرسش‌نامه حبیب‌زاده و رجبی ویسرودی (۱۳۹۲)، خوش‌رویی و برخورد مناسب پلیس (چهار گویه)، محبوبیت پلیس (سه گویه) و سرعت عمل پلیس در کار (سه گویه) که محقق ساخته بود، استفاده و با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای سنجیده شد. برای سنجش بهتر پایایی از معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی که با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS2 محاسبه گردید، استفاده شد. آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) برای همه متغیرها بالای ۰/۷ می‌باشد که نشان می‌دهد پرسش‌نامه از پایایی مناسب برخوردار است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی پرسش‌نامه تأثیر اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)
تبعیت از قوانین ترافیکی	۰/۸۳۲	۰/۸۱۴
مقبولیت مأموران پلیس	۰/۷۶۴	۰/۸۷۶
توانمندی و هوشمندی	۰/۸۰۳	۰/۷۱۲
رضایت مندی	۰/۷۴۵	۰/۷۶۴
منزلت اجتماعی پلیس	۰/۸۷۱	۰/۷۹۸
برخورد مناسب	۰/۸۷۸	۰/۷۳۴
محبوبیت مأموران پلیس	۰/۷۵۹	۰/۷۱۹
سرعت عمل مأموران پلیس	۰/۸۷۹	۰/۷۶۸

یافته‌ها

اطلاعات در این تحقیق از بین ۳۸۴ نفر از شهروندان غرب شهر تهران جمع‌آوری شده است. از نظر جنسیت، از کل حجم نمونه، ۵۸/۴ درصد مرد و ۴۱/۶ درصد زن هستند؛ و از نظر سن، بیشترین فراوانی با ۳۸/۸ درصد مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال است.

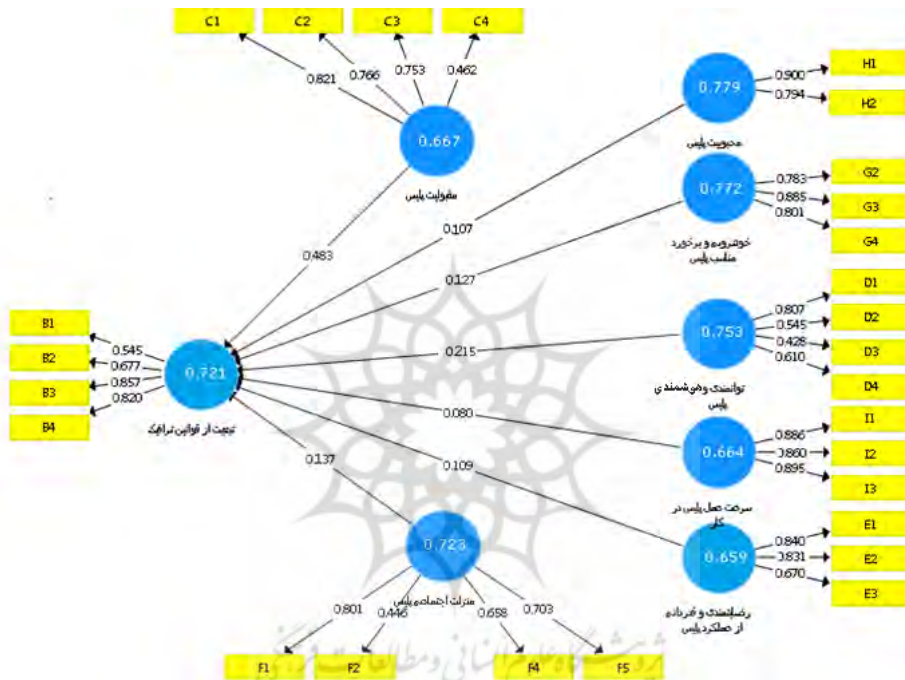
میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۱ سال است که نشان از جوانی جامعه آماری تحقیق دارد و کمترین فراوانی با ۷/ درصد مربوط به گروه سنی بالای ۶۰ سال است. همچنین از نظر تحصیلات، مقطع کارشناسی با ۲۸/۷ درصد، نمای جامعه مورد مطالعه و بیشترین فراوانی پاسخگویان در هر دو گروه جنسی متعلق به دارندگان مدرک کارشناسی است و کمترین فراوانی با ۳/۴ درصد مربوط به مقطع تحصیلات دکترا است. از نظر نوع شغل، ۲۴/۸ درصد پاسخگویان کارمند، ۳۰/۹ درصد شغل آزاد، ۱۶/۲ درصد بیکار، ۱۲/۵ درصد خانه دار، ۱۰/۲ درصد محصل و ۵/۵ درصد سایر مشاغل (مکانیک، راننده، کارگر، مغازه دار و...) بودند. همان طوری که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است ۶۵/۱ درصد پاسخگویان، به تبعیت زیاد از قوانین ترافیکی نظر دادند و اعلام کردند که قوانین و مقررات رانندگی را خودمان رعایت می کنیم و به دیگران هم توصیه می کنیم و در رعایت قوانین و مقررات رانندگی و گزارش تخلفات با پلیس همکاری کرده و در همه حال، همگام و همراه پلیس هستیم.

جدول ۳. فراوانی و درصد میزان تبعیت از قوانین ترافیکی

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	فراوانی تجمعی
۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	خیلی کم (۴-۶)
۳۲	۸/۳	۸/۳	۸/۷	کم (۷-۱۰)
۶۶	۱۷/۱	۱۷/۱	۲۵/۸	متوسط (۱۱-۱۳)
۲۵۰	۶۵/۱	۶۵/۱	۹۰/۹	زیاد (۱۴-۱۶)
۳۵	۹/۱	۹/۱	۱۰۰	خیلی زیاد (۱۷-۲۰)
۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰		کل

از نرم افزار SMART PLS2 برای محاسبه ضرایب بارهای عاملی استفاده شد که این ضرایب از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص های یک سازه با آن سازه محاسبه می شوند که در صورتی که این مقدار کمتر از ۰/۴ شود باید آن شاخص ها (سؤال ها) را اصلاح نموده و یا از مدل حذف کرد (رضازاده و داوری، ۱۳۹۳، ۸۰). لذا با توجه به اینکه ضرایب بارهای عاملی

گویه‌های C5، C6، G1، H3، F3 کمتر از ۰/۴ بود، از مدل حذف و دوباره ضرایب عاملی محاسبه شد. در این مرحله با توجه به این‌که بارعاملی همه گویه‌ها بیشتر از ۰/۴ می‌باشند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که مدل از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. مدل پژوهش را به همراه ضرایب بارهای عاملی در شکل شماره (۲) نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل استاندارد به همراه ضرایب بار عاملی پس از حذف گویه های C5، C6، G1، H3، F3

برای بررسی روایی همگرا، یک روش دیگری به نام میانگین واریانس استخراج شده^۱ (AVE) وجود دارد. این روش به وسیله فورنل و لارکر^۲ در سال ۱۹۸۱ ارائه شده است میانگین واریانس استخراج شده میزان همبستگی یک مؤلفه با شاخص‌های خود را نمایش می‌دهد که این همبستگی هرچه بیشتر

1. Average Variance Extracted
2. Fornell & Larcker

باشد، برآزش نیز بیشتر است. از نظر فورنل و لارکر روایی همگرا وقتی است که میانگین واریانس استخراج‌شده از ۰/۵ بیشتر باشد. همان‌طور که در جدول شماره (۴) نشان داده‌شده AVE برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۵ و همه بارهای عاملی بیشتر از ۰/۴ بوده و نشان می‌دهد که همه سؤال‌های پرسش‌نامه مناسب بوده و از اعتبار کافی برخوردارند؛ لذا نمایانگر همبستگی سازه‌ها و اعتبار همگرا می‌باشند.

جدول ۴. بررسی اعتبار متغیرهای تحقیق و سنجش روایی همگرای مدل (AVE)

متغیر	گویه	بار عاملی استاندارد شده	میانگین واریانس استخراجی
تبعیت از قوانین ترافیکی	قوانین و مقررات رانندگی را خودم رعایت می‌کنم و به دیگران هم توصیه می‌کنم	۰/۵۴۵	۰/۵۴۰
	می‌خواهم خود و اعضای خانواده‌ام همیار پلیس باشیم	۰/۶۷۷	
	دوست دارم در گزارش تخلفات با پلیس همکاری کنم	۰/۸۵۷	
	کار پلیس در جهت ایمنی ما است باید همگام و همراه پلیس بود	۰/۸۲۰	
مقبولیت مأموران پلیس	محوریت کار پلیس قانونمندی است	۰/۸۲۱	۰/۵۱۰
	پلیس در کارش بر اساس وظیفه قانونی عمل می‌کند	۰/۷۶۶	
	پلیس به قوانین و مقررات جامعه وفادار است	۰/۷۵۳	
	پلیس در رسیدگی به کار مردم اصل بی‌طرفی را رعایت می‌کند	۰/۴۶۲	
	کارکنان پلیس در حوزه کاری خود مسلط	۰/۸۰۷	

متغیر	گویه	بار عاملی استاندارد شده	میانگین واریانس استخراجی
توانمندی و هوشمندی پلیس	هستند		۰/۵۷۹
	مأموران پلیس از توانمندی خوبی برخوردار هستند	۰/۵۴۵	
	مأموران پلیس از نظر استفاده از فناوری هوشمند وضعیت خوبی دارد	۰/۴۲۸	
	پلیس هوشمند باید کاملاً جایگزین پلیس سنتی شود	۰/۶۱۰	
رضایت‌مندی از مأموران پلیس	من در ایجاد ایمنی در جامعه از کار پلیس رضایت دارم	۰/۸۴۰	۰/۶۱۵
	من به خاطر اینکه از عملکرد پلیس راضی هستم همیشه از آن‌ها تشکر می‌کنم	۰/۸۳۱	
	مردم باید در هفته ناجا به پاس زحمات پلیس از آن‌ها قدردانی بکنند	۰/۶۷۰	
منزلت اجتماعی مأموران پلیس	وضعیت ظاهری کارکنان پلیس همیشه مرتب است	۰/۸۰۱	۰/۵۴۲
	پلیس از نظم و هماهنگی خوبی در رفتار برخوردار است	۰/۴۴۶	
	بیشتر افراد پلیس دارای مدارک دانشگاهی هستند	۰/۶۵۹	
	امروزه افراد پلیس بینش و تفکر اجتماعی و روان‌شناختی دارند	۰/۷۰۳	
برخورد مناسب مأموران	پلیس با مردم بسیار مهربان و دلسوزانه برخورد می‌کند	۰/۷۸۳	۰/۶۷۹
	پلیس با متخلف با احترام برخورد کند	۰/۸۸۵	

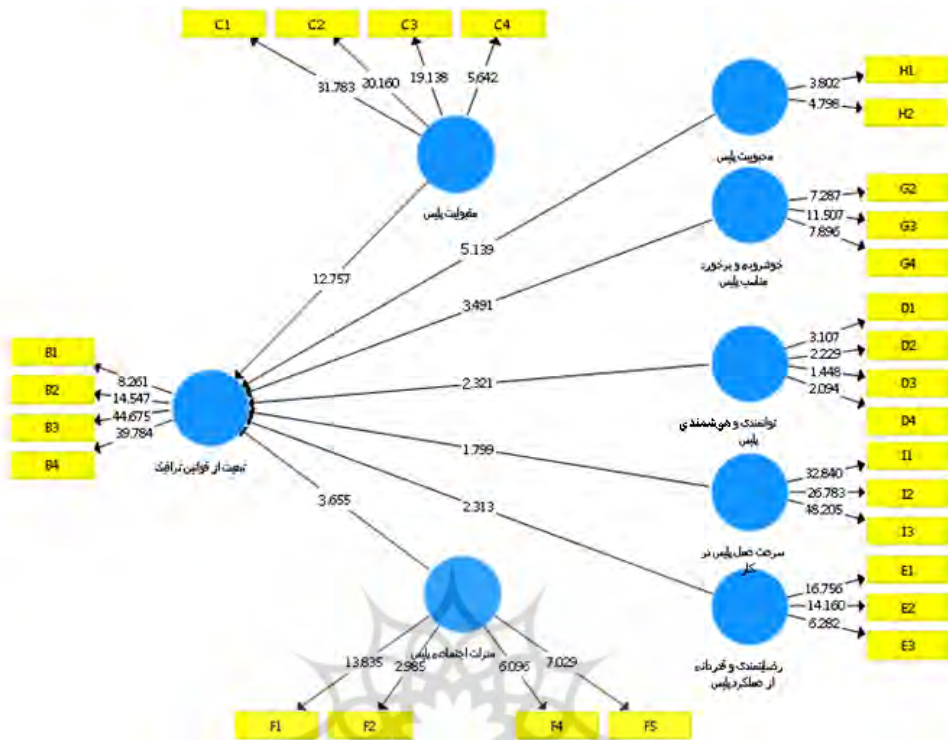
متغیر	گویه	بار عاملی استاندارد شده	میانگین واریانس استخراجی
پلیس	پلیس به ارباب رجوع احترام می‌گذارد	۰/۸۰۱	
	بیشتر برخورد پلیس با مردم زورگویی است	۰/۷۴۳	
محبوبیت مأموران پلیس	قابل اطمینان و دوست‌داشتنی بودن پلیس	۰/۹۰۰	۰/۷۲۱
	علاقه‌مندی به پلیس و شغل پلیسی	۰/۷۹۴	
سرعت عمل مأموران پلیس	پلیس در مواقع ضروری به موقع در صحنه حاضر می‌شود	۰/۸۸۶	۰/۷۷۵
	کارکنان پلیس کار مردم را زود راه می‌اندازند	۰/۸۶۰	
	تند و تیز بودن از ویژگی‌های پلیس شهر ماست	۰/۸۹۵	

جدول (۵) شاخص روایی منفک و ضرایب همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد. مقدار جذر (AVE) متغیرهای مکنون در این پژوهش که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در سمت راست قطر اصلی و خانه‌های زیرین ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که در پژوهش حاضر، متغیرهای پنهان در مدل، تعامل و رابطه بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به عبارت دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسب و مطلوبی است.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون و بررسی روایی واگرایی متغیرها

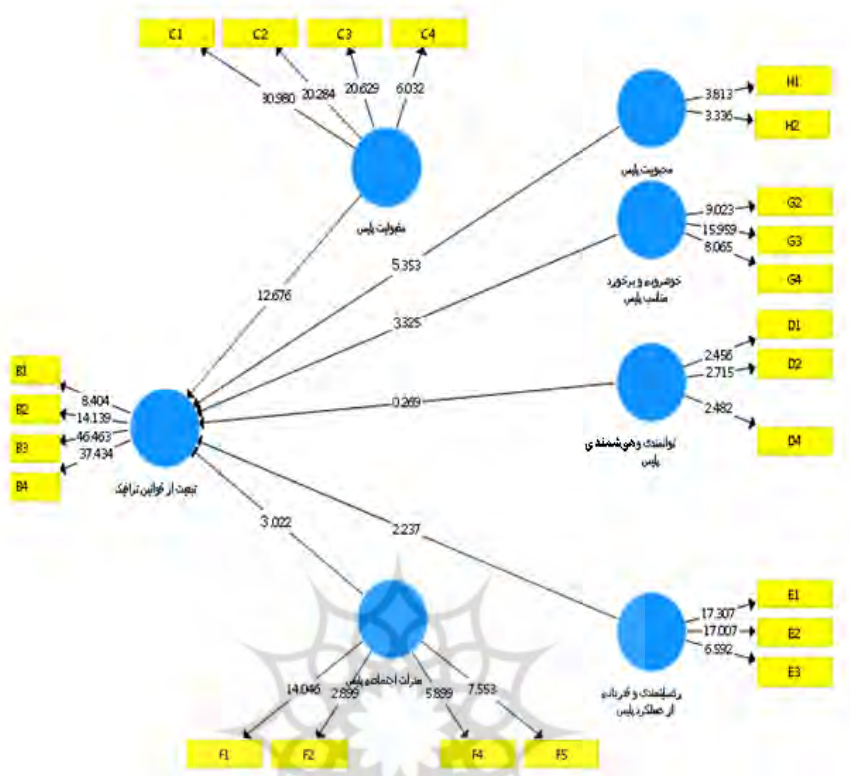
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- تبعیت از قوانین ترافیکی	۰/۷۳۵							
۲- توانمندی و هوشمندی مأموران پلیس	۰/۱۳۹	۰/۶۱۳						
۳- خوش‌رویی پلیس	۰/۱۶۱	۰/۲۳۶	۰/۸۲۴					
۴- رضایت‌مندی از مأموران پلیس	۰/۲۰۶	۰/۳۶۲	۰/۲۳۸	۰/۷۸۴				
۵- سرعت عمل مأموران پلیس	۰/۲۰۴	۰/۱۷۹	۰/۲۶۹	۰/۱۷۹	۰/۸۸۱			
۶- محبوبیت مأموران پلیس	۰/۱۲۱	۰/۲۲۲	۰/۴۷۴	۰/۱۱۸	۰/۲۶۹	۰/۸۴۹		
۷- مقبولیت مأموران پلیس	۰/۵۱۸	۰/۱۹۰	۰/۲۶۷	۰/۱۵۶	۰/۲۰۸	۰/۱۸۲	۰/۷۱۴	
۸- منزلت اجتماعی مأموران پلیس	۰/۲۳۷	۰/۳۵۱	۰/۳۲۴	۰/۴۸۵	۰/۳۴۸	۰/۲۲۶	۰/۲۷۳	۰/۶۶۵

با استفاده از نرم‌افزار SMART PLS2 ضرایب معناداری (t) محاسبه شده است. ملاک اصلی تأیید یا رد فرضیات مقدار آماره تی است. اگر این مقدار از ۱/۹۶ بیشتر باشد نتیجه می‌گیریم که آن فرضیه در سطوح ۹۵ درصد تأیید می‌شود. همان‌طور که در شکل شماره (۳) مشاهده می‌شود مقادیر (t) مؤلفه سرعت عمل پلیس در کار و شاخص D3 کمتر از ۱/۹۶ است؛ لذا این مؤلفه و شاخص از مدل حذف و مجدداً خروجی گرفته شد که نتیجه آن در شکل شماره (۳) نشان داده شده است.



شکل ۳. تست معنی‌داری (t) بارهای عاملی

پس از حذف مؤلفه سرعت عمل مأموران پلیس و شاخص D3، مقادیر (t) تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بیشتر از ۱/۹۶ بوده و معنی‌دار می‌باشند که در شکل شماره (۴) ضرایب معناداری (t) در حالت استاندارد نشان داده شده است.



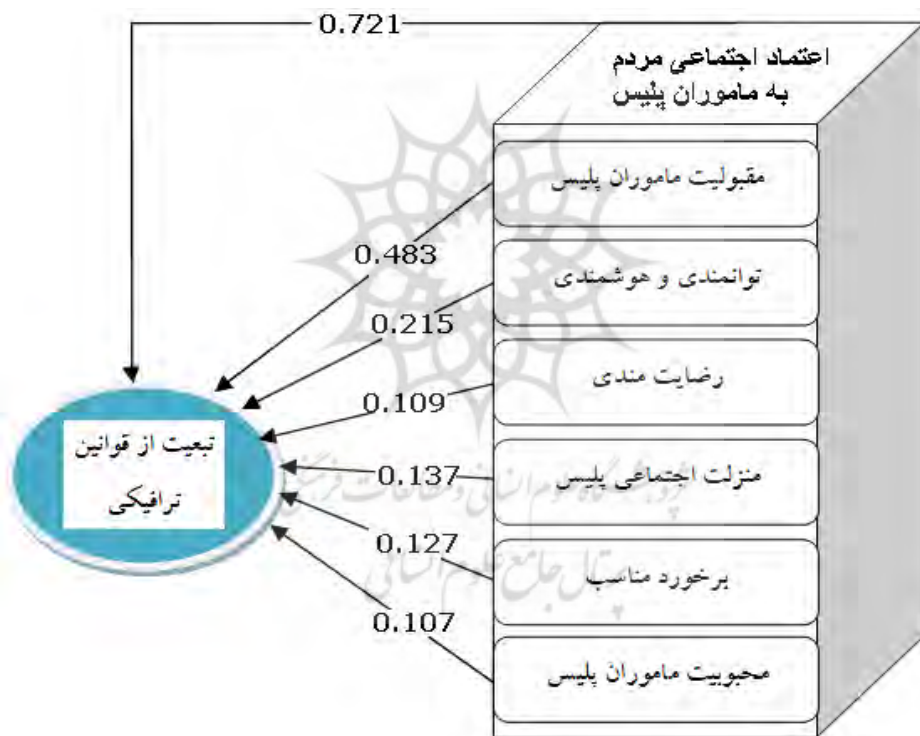
شکل ۴. ضرایب معنی‌داری (t) در حالت استاندارد

از معیار ضریب تعیین و ضرایب معناداری Z برای بررسی برازش مدل ساختاری استفاده شد.

ضریب R^2 (Squares R): یک معیار برای برازش مدل ساختاری ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای وابسته (پنهان درون‌زای) مدل است. R^2 معیاری است که تأثیر یک متغیر مستقل (برون‌زا) بر یک متغیر وابسته (درون‌زا) را نشان می‌دهد. میزان ضریب تعیین R^2 در متغیر وابسته تبعیت از قوانین ترافیکی برابر $۰/۷۲۱$ است که نشان‌دهنده این است که متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس (مقبولیت پلیس، توانمندی و هوشمندی پلیس، برخورد مناسب مأموران

پلیس، رضایت‌مندی از پلیس، محبوبیت مأموران پلیس و منزلت اجتماعی پلیس توانسته است ۷۲/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند.

ضرایب معناداری Z: یک معیار دیگر برای بررسی برازش مدل ساختاری استفاده از ضرایب T است که ضرایب باید از ۱/۹۶ بیشتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن آن‌ها را تأیید کرد. همان‌طور که در شکل شماره (۴) مشاهده می‌گردد، تمامی مؤلفه و شاخص‌ها دارای مقدار T بیشتر از ۱/۹۶ بوده و معنی‌دار می‌باشند؛ لذا مدل تأیید می‌شود. در شکل شماره (۵) مدل نهایی تأیید شده پژوهش به همراه ضرایب تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها نشان داده شده است.



$$GFI=0/932, Q^2 = 0/387, R^2 = 0/72$$

شکل ۵. مدل نهایی پژوهش

در آزمون فرضیه‌ها، اگر مقدار (t) بیشتر از ۱/۹۶ و سطح معنی‌داری (P-value) کمتر از ۰/۰۵ باشد به این معنی است که فرضیهٔ مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار بوده و فرضیهٔ موردنظر تأیید می‌گردد. همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود اعداد معنی‌داری متغیرهای مقبولیت مأموران پلیس (۱۲/۴۷۳)، توانمندی و هوشمندی (۲/۳۲۳)، رضایت‌مندی (۲/۲۷۲)، منزلت اجتماعی مأموران پلیس (۳/۶۷۷)، برخورد مناسب مأموران پلیس (۳/۴۸۰) و محبوبیت مأموران (۵/۱۳۰) بیشتر از ۱/۹۶ است و سطح معناداری این متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، تأثیر متغیرهای مقبولیت مأموران پلیس، توانمندی و هوشمندی، رضایت‌مندی از مأموران پلیس، منزلت اجتماعی مأموران پلیس، برخورد مناسب مأموران و محبوبیت مأموران بر تبعیت از قوانین ترافیکی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد و با توجه به این که اعداد معنی‌داری متغیر سرعت عمل پلیس در کار (۱/۷۱۳) و سطح معنی‌داری (P-value) آن بیشتر از ۰/۰۵ است لذا تأثیر سرعت عمل مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی رد شد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	ضرب تعیین R^2	اعداد معناداری (t)	ضرایب مسیر (بتا)	فرضیه‌ها
تأیید	۰/۰۰۰	۰/۷۲۱	۱۲/۴۷۳	۰/۴۸۳	فرضیهٔ ۱: مقبولیت مأموران پلیس -> تبعیت از قوانین ترافیکی
تأیید	۰/۰۰۰		۲/۳۲۳	۰/۲۱۵	فرضیهٔ ۲: توانمندی و هوشمندی پلیس -> تبعیت از قوانین ترافیکی
تأیید	۰/۰۰۱		۲/۲۷۲	۰/۱۰۹	فرضیهٔ ۳: رضایت‌مندی از مأموران -> تبعیت از قوانین ترافیکی
تأیید	۰/۰۰۴		۳/۶۷۷	۰/۱۳۷	فرضیهٔ ۴: منزلت اجتماعی پلیس -> تبعیت از قوانین ترافیکی
تأیید	۰/۰۲۵		۳/۴۸۰	۰/۱۲۷	فرضیهٔ ۵: برخورد مناسب مأموران

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	ضریب تعیین R^2	اعداد معناداری (t)	ضرایب مسیر (بتا)	فرضیه‌ها
					پلیس -> تبعیت از قوانین ترافیکی
تأیید	۰/۰۰۰		۵/۱۳۰	۰/۱۰۷	فرضیه ۶: محبوبیت مأموران -> تبعیت از قوانین ترافیکی
رد	۰/۷۸۶		۱/۷۱۳	۰/۰۸۰	فرضیه ۷: سرعت عمل مأموران پلیس -> تبعیت از قوانین ترافیکی

بحث و نتیجه گیری

تخلف از قوانین ترافیکی به یکی از مسائل اولویت‌دار اجتماعی - فرهنگی مبدل شده است، به طوری که نشان‌دهنده کاهش تمایل رانندگان به رعایت مقررات ترافیکی، بی‌نظمی اجتماعی و ناهم‌سوایی با قوانین ترافیکی است. همچنین نتایج این تخلفات و بی‌توجهی به قوانین و مقررات رانندگی، افزایش تلفات جاده‌ای، از بین رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه؛ آسیب‌های خانوادگی ناشی از از دست دادن یکی از اعضای خانواده از جمله مسائلی است که در این شرایط به وجود می‌آید. پلیس به تنهایی قادر به اجرای قوانین ترافیکی نبوده و در این حوزه برای اثربخشی بیشتر قوانین، نیاز به همکاری شهروندان با پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی است که بدون اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس این مهم میسر نخواهد بود. لذا هدف اصلی از این پژوهش بررسی میزان تأثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی می‌باشد. در این راستا این نکته را مطرح کردیم که همکاری و تبعیت از قوانین نمی‌تواند به صورت یک‌باره و اتفاقی محقق شود، بلکه تبعیت از قوانین، فرایندی اجتماعی است که می‌تواند متأثر از متغیرهای اعتماد اجتماعی باشد؛ لذا این تحقیق تأثیر متغیرهای اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس و متغیرهای مقبولیت مأموران پلیس، توانمندی و هوشمندی، رضایت‌مندی از مأموران پلیس، منزلت اجتماعی مأموران پلیس، برخورد مناسب

مأموران و محبوبیت مأموران در تبعیت از قوانین ترافیکی را بررسی کرد و پیشنهادهایی برای تقویت عوامل تأثیرگذار ارائه می‌دهد. پس با تحلیل یافته‌ها نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه اول نشان داد که از متغیرهای اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس، مقبولیت مأموران پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی تأثیر معنی داری دارد. پس با توجه این که از نظر مردم، مقبولیت مأموران پلیس بیشترین ضریب تأثیر (۰/۴۸۳) را در بین متغیرها در تبعیت از قوانین ترافیکی دارد؛ لذا تقویت مقبولیت مأموران پلیس در رعایت قوانین و مقررات با قانون محور بودن مأموران پلیس در کارها، رعایت اصل بی طرفی در رسیدگی به ارباب رجوع و نیز انجام وظایف خود بر اساس قانون از جمله مواردی است که می‌تواند موجب ارتقای اعتماد مردم به مأموران پلیس شود؛ بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات دوستدار (۱۳۹۸)، حبیب‌زاده و رجبی و یسرودی (۱۳۹۳)، کاپمیر و کاترین (۲۰۲۲)، تانکبه و همکاران (۲۰۲۰)، روزنبلوم و همکاران (۲۰۱۴)، نالا و مدان (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

نتیجه به دست آمده از آزمون فرضیه دوم نشان داد که از متغیرهای اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس، توانمندی و هوشمندی پلیس در تبعیت از قوانین ترافیکی تأثیر معنی داری دارد. پس با توجه این که توانمندی و هوشمندی پلیس از نظر مردم، بعد از مقبولیت بیشترین ضریب تأثیر (۰/۲۱۵) را در بین متغیرها بر تبعیت از قوانین ترافیکی دارد؛ لذا تقویت توانمندی و هوشمندی با استفاده از فناوری‌های هوشمند جدید و با بالا بردن توان عملیاتی می‌توان اعتماد مردم به مأموران پلیس و در نتیجه تبعیت از قوانین ترافیکی را افزایش داد؛ بنابراین، نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات جوانمدار و همکاران (۱۴۰۱)، دوستدار (۱۳۹۸)، آکینلابی (۲۰۲۲)، نالا و مدان (۲۰۱۲) همسو است.

تأیید فرضیه سوم، یعنی تأثیر رضایت‌مندی از عملکرد مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی که با تحقیقات حسینی، پیرا و شیرعلیزاده (۱۴۰۱)، حبیب‌زاده و رجبی

ویسرودی (۱۳۹۳)، نالا و مدان (۲۰۱۲) همسو است و می‌توان گفت هر چه نگرش مردم در خصوص عملکرد مأموران پلیس مثبت و میزان رضایت‌مندی شهروندان از عملکرد مأموران پلیس به سبب عملکرد خوب در برقراری نظم و انضباط ترافیکی بیشتر باشد، تبعیت از قوانین ترافیکی بیشتر خواهد شد.

تأیید فرضیه چهارم، یعنی تأثیر منزلت اجتماعی مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی که با تحقیقات حسینی و همکاران (۱۴۰۱)، دوستدار (۱۳۹۸)، کاپمیر و کاترین (۲۰۲۲) همسو است و می‌توان نتیجه گرفت هر چه وضعیت ظاهری کارکنان پلیس مرتب باشد، مأموران پلیس دارای مدارک دانشگاهی و بینش و تفکر اجتماعی و روان‌شناختی باشند، تبعیت از قوانین ترافیکی بیشتر خواهد شد.

تأیید فرضیه پنجم، یعنی تأثیر برخورد مناسب مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی که با تحقیقات اخشابلی (۱۳۹۴)، آکینلابی (۲۰۲۲)، کاپمیر و کاترین (۲۰۲۲)، کاتر (۲۰۲۲)، مگوایر و همکاران (۲۰۱۷) همسو است و می‌توان نتیجه گرفت هر چه مأموران پلیس با مردم با احترام، بسیار مهربان و دلسوزانه برخورد کند و زورگویی نکند، تبعیت از قوانین ترافیکی بیشتر خواهد شد.

تأیید فرضیه ششم، یعنی تأثیر محبوبیت مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی که با تحقیقات دوستدار (۱۳۹۸)، کاپمیر و کاترین (۲۰۲۲)، تانکبه و همکاران (۲۰۲۰)، نالا و مدان (۲۰۱۲) همسو است و می‌توان گفت هر چه مأموران پلیس قابل‌اطمینان و دوست‌داشتنی باشند و علاقه‌مندی به پلیس و شغل پلیسی بیشتر شود، تبعیت از قوانین ترافیکی بیشتر خواهد شد.

رد فرضیه هفتم، یعنی رد تأثیر سرعت عمل مأموران پلیس بر تبعیت از قوانین ترافیکی که با تحقیقات مگوایر و همکاران (۲۰۱۷) نا همسو است؛ به عبارت دیگر از نظر شهروندان تهرانی، سرعت عمل مأموران پلیس تأثیری در تبعیت از قوانین ترافیکی ندارد.

در پایان، نتیجه می‌گیریم که پلیس راهور فراجا برای کاهش تخلفات کاربران ترافیک و تبعیت بیشتر مردم از قوانین ترافیکی بایستی اعتماد اجتماعی مردم را جلب نماید. اعتماد اجتماعی مردم به مأموران پلیس از طریق تقویت مقبولیت مأموران پلیس، توانمندی و هوشمندی، رضایت‌مندی از مأموران پلیس، بالا بردن منزلت اجتماعی، برخورد مناسب و محبوبیت مأموران پلیس محقق خواهد شد که در ادامه پیشنهادهای کاربردی بر اساس نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

پیشنهادهای

- بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی به صورت زیر ارائه می‌شود:
- ۱- تقویت مقبولیت مأموران پلیس با انجام وظایف بر اساس قانون، رعایت اصل بی‌طرفی در رسیدگی به ارباب‌رجوع و با قانون‌محور بودن مأموران؛
 - ۲- ارتقاء توانمندی و هوشمند سازی پلیس با تجهیز کردن مأموران به فناوری‌های جدید و بالا بردن توان عملیاتی آنان و جایگزین نمودن پلیس کاملاً هوشمند به جای پلیس سنتی؛
 - ۳- جلب رضایت‌مندی شهروندان از عملکرد مأموران پلیس از طریق برقراری نظم و انضباط ترافیکی، اجرای صحیح قوانین و مقررات؛
 - ۴- بهبود منزلت اجتماعی پلیس، با مرتب و آراسته بودن وضعیت ظاهری مأموران و داشتن تحصیلات دانشگاهی، بینش و تفکر اجتماعی و روان‌شناختی؛
 - ۵- برخورد پلیس راهور با مردم مناسب باشد و حتی افرادی که مرتکب تخلف از قوانین ترافیکی شدند، با احترام و دلسوزانه برخورد کند و زورگویی نکند؛
 - ۶- افزایش علاقه‌مندی به پلیس و شغل پلیسی در بین مردم با تقویت طرح‌هایی مثل طرح همیار پلیس، طرح پلیس‌یار نوجوان، طرح بانوان فرهنگ‌یار و غیره.
- سپاسگزاری:** در پایان از تمامی اشخاصی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در جمع‌آوری اطلاعات و اجرای این پژوهش همکاری داشته‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

ابراهیم‌پور، حبیب‌الله؛ روشندل اربطانی، طاهر؛ و امیری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل نگرشی مؤثر در تبیین اعتماد عمومی به پلیس (مطالعه موردی: پلیس تهران). فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۷(۳)، ۳۰۱-۳۰۷.

http://pmsq.jrl.police.ir/article_18316.html

احمدی، آرمان. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین جنسیت و تخلفات رانندگی. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، ۶(۲۰)، ۱-۱۸. <https://www.sid.ir/paper/888888fa>

اخشابی، فرزاد. (۱۳۹۴). تعامل پلیس با مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع

<https://sid.ir/paper/64759fa>

آزادواری، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). رابطه میان سرمایه اجتماعی و نقش پلیس در پیشگیری از جرائم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲۵، ۹-۲۴.

http://cps.jrl.police.ir/article_13579b

اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. (مریم وتر، مترجم). تهران: انتشارات کویر.

بخشی، قدیر؛ و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی پلیس. فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۳۲(۳)، ۱۳-۴۰.

http://sss.jrl.police.ir/article_11852.html

پورمؤذن، محمد. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی در ایران (وضعیت موجود)، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶(۲۵)، ۱۹۵-۲۳۴.

<https://www.sid.ir/paper/56673fa/>

تاج‌بخش، کیان؛ و خاکباز، افشین. (۱۳۹۰). دموکراسی و توسعه، اعتماد و سرمایه اجتماعی. تهران: انتشارات شیرازه.

جوانمدار قره‌قوینلو، فرزاد؛ بیگ‌زاده، یوسف؛ سنگی نورپور، عباسقلی؛ و عماری، حسین. (۱۴۰۱). ارتباط سرمایه اجتماعی پلیس با تمایل عمومی برای همکاری با پلیس پیشگیری

جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۷(۴)، ۱۰۹-۱۴۵.

doi: 10.22034/pmsq.2023.1269138.1547

حبیب‌زاده، اصحاب؛ و رجیبی ویسرودی، باقر. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی به پلیس و مشارکت شهروندان در ارتقای امنیت عمومی. پژوهش‌های دانش انتظامی. ۱۶(۳).

۴۵-۶۰. http://pok.jrl.police.ir/article_97104html

حسینی، سید تیمور، پیرا، ولی‌الله؛ و شیرعلیزاده، جاسم. (۱۴۰۱). عوامل اجتماعی بر مشارکت اجتماعی کاربران در رعایت مقررات ترافیکی. فصلنامه علمی راهور، ۱۱(۴۳)، ۱۵۱-۱۹۶.

doi:10.22034/TALAR.2023.100503

حسینی، سیدمحمد؛ و برهانی، محسن. (۱۳۸۹). چرایی تبعیت از قانون. پژوهش‌های فلسفی -

کلامی، ۱۱(۳)، ۲۳۹-۲۶۰. <https://sid.ir/paper/98346/fa>

دوستدار، رضا. (۱۳۹۸). راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی پلیس. نشریه علمی انتظام

اجتماعی، ۱۱(۳)، ۹۳-۱۱۸. http://sopra.jrl.police.ir/article_92943.html

رضازاده، آرش؛ و داوری، علی. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. انتشارات جهاد دانشگاهی.

زومگا، پیوتر. (۱۳۸۴). اعتماد، یک نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه فاطمه گلابی. مترجم.

زومگا، پیوتر. (۱۳۷۷). اعتماد نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. اتحاد.

عباس‌زاده، محمود؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ اسلامی بناب، رضا؛ و محمدپور، نیر. (۱۳۹۰).

تبیین جامعه‌شناختی اعتماد به پلیس و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان

کارشناسی دانشگاه آزاد تبریز). فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، ۱۱(۳)، ۲-۲۶.

http://eastaz.jrl.police.ir/article_13840e

عشایری، طاهای؛ و نامیان، فاطمه. (۱۳۹۸). فراتحلیل عوامل مؤثر بر پیشگیری از وقوع جرم.

فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۲(۱)، ۳۳-۵۴.

http://journals.police.ir/article_20354.html

علیزاده اقدم، محمدباقر؛ گلابی، فاطمه؛ و مفاخری، اقبال. (۱۳۹۵). بررسی اعتماد

شهروندان به پلیس با تأکید بر دیدگاه عدالت رویه‌ای و عملکرد پلیس. پژوهش‌های

راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۳)، ۱-۲۰.

https://ssoss.ui.ac.ir/article_20958-8173

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی. ترجمه سعید شریعتی. روزنامه اندیشه یاس، سال

اول، شماره ۸۲ و ۸۳.

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی.

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/83768>

کرم‌خانی، جواد؛ قیصریگی، فرهاد؛ علی مددی، زهرا؛ و مؤمنی، بهرام. (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تخلفات رانندگی در شهر ایلام. فصلنامه دانش انتظامی ایلام، ۷(۲۶)، ۸۶-۷۷

^{۶۶} <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=550595>

کشفی، سید سعید؛ رحمانی، نادر؛ و رحمانی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش مقررات راهنمایی و رانندگی بر کارایی همیاران پلیس. فصلنامه علمی ترویجی راهور، ۱۳۹۵(۳۶)، ۷۹-۱۰۷.

http://tale.jrl.police.ir/article_10890html

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. نشر مرکز.

Akinlabi, O. M. (2022). Police–Citizen Relations in Nigeria: Obstacles to Trust and Cooperation with the Police. In *Policing and the Rule of Law in Sub-Saharan Africa* (pp. 50-69). <https://doi.org/10.4236/ojs.2022.104034>

Baker, A., Susanne, B., & Kerstin, P. (2021). Pushing performance by building bridges: Human and social capital as mechanisms behind the mobility-performance link. *Journal of Vocational Behavior*, 129(1), 103613. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2021.103613>.

Brehm, J., & Rahn, W. (1997). Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital. *American Journal of Political Science*, 41(3), 999-1023. <https://doi.org/10.2307/2111684>

Hawdon, J., & Tech, V. (2008). Legitimacy, Trust, Social Capital, and Policing Styles: A Theoretical Statement. *Police Quarterly*, 11(2), 182-201. <https://doi.org/10.1177/1098611107311852>.

Harris, J.W. (1997). *Legal Philosophies*. Butterworths.

Johnson, D. W., & Johnson, F. P. (1994). *Joining together: Group theory and group skills* (5th ed.). Allyn & Bacon.

Kappmeier, M., & Fahey, K. H. (2022). Trust and legitimacy: Policing among racial groups. *New Zealand Journal of Psychology (Online)*, 51(2), 35-42. <https://doi.org/10.1177/0308518X211000059>

Katz, G. I. (2022). A Guide to More Effective Police—Community Relations Through Media, Personal Engagement, and

- Collaborative Events. *US-China Law Review*, 19(8), 344-354. doi:10.17265/1548-6605/2022.08.002.
- Maguire, E. R., Lowrey, B. V., & Johnson, D. (2017). Evaluating the relative impact of positive and negative encounters with police: A randomized experiment. *Journal of experimental criminology*, 13, 367-391. <https://doi.org/10.1007/s11292-016-9276-9>.
- Murphy, K., Hinds, L., & Fleming, J. (2008). Encouraging public cooperation and support for police. *Policing & society*, 18(2), 136-155. DOI:10.1080/10439460802008660
- Muringani, J., Fitjar, R. D., & Rodríguez-Pose, A. (2021). Social capital and economic growth in the regions of Europe. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 53(6), 1412-1434. doi/pdf/10.1177/0308518X211000059.
- Nalla, M.K., Madan, M. (2012). Determinants of Citizens' Perceptions of Police-Community Cooperation in India: Implications for Community Policing. *Asian Criminology* 7, 277-294 <https://doi.org/10.1007/s11417-011-9110-2>.
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Oxford University Press.
- Raz, J. (1979). *The Authority of Law*. Clarendon Press, Oxford.
- Robinson, A. L., (2003). The impact of police social capital on officer performance of community policing. *Policing. An International Journal of Police Strategies & Management*, 26(4), 656-689. <https://doi.org/10.1108/13639510310503569>.
- Rosenbloom, T., Pereg, A., & Perlman, A. (2014). Compliance with traffic laws by traffic police officers, non-traffic police officers, and civilian drivers. *Traffic injury prevention*, 15(5), 446-450. <https://doi.org/10.1080/15389588.2013.834531>.
- Sadeghi, M., & Bahamiriyani, M. (2015). Study the relationship between social capital of organization and empowering staff of universities: A case study of applied science centers of Kermanshah. *International Journal of Economy, Management and Social Sciences*, 4(2), 139-146. DOI: 10.5267/j.msl.2012.09.019.
- Schaap, D. (2020). Citizens' Trust in the Police and Police Trust-Building Strategies: Main Findings from a Comparative, Dynamic Study. *Eur. L. Enf't Rsch. Bull.*, 19, 27.
- Sunshine, J., & Tyler, T. R. (2003). The role of procedural justice and legitimacy in shaping public support for policing. *Law &*

society review, 37(3), 513-548. <https://doi.org/10.1111/1540-5893.3703002>

Sun, I., Hu, R., & Farmer, A. (2017). Procedural justice, legitimacy, and public cooperation with police: does western wisdom hold in China?. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 54(4), 454-478. <https://doi.org/10.1177/0022039117700000>

Tankebe, J., Boakye, K.E., Amagnya, M.A. (2020). Traffic violations and cooperative intentions among drivers: the role of corruption and fairness. *Policing and Society*, 30, 9, 1081-1096. DOI: 10.1080/10439463.2019.1636795.

Tyler, T. R. (2005). Policing in black and white: Ethnic group differences in trust and confidence in the police. *Police quarterly*, 8(3), 322-342. <https://doi.org/10.1177/0899864305277777>

